

شرق

در فصل برداشت برنج عده‌ای از کشاورزان برای سود بیشتر و کشت دوم اقدام به آتش‌زدن زمین کشاورزی می‌کنند، عکس: مهدی محبی‌پور، میزان



تلاش‌های کروناپی

گل سبزی

به بوفه نخورم؛ مبادا گل‌دان کریستال بیفتد و بشکند.
ظهر که می‌شود حس می‌کنم از هر روز گرسنه‌ترم و غذا جقدر مزه می‌دهد. این هم از فواید کار است.
از عادت‌های بدی که دارم، یکی هم این است که مدام از وسط یک کار می‌روم سیراغ کار دیگر، باز آن را تمام‌نکرده، سروقت یک کار دیگر، شاید علتش این باشد که می‌ترسم فرواموش شود.
علتش هرچه باشد، یک وقت نگاه می‌کنم، می‌بینم کلسی کار نیمه‌تمام دارم و هیچ‌یک را انجام نداده‌ام. کتاب‌هایی که نصفه خوانده‌ام و نوشته‌هایی که شروع کرده‌ام؛ اما تمام نکرده‌ام. به قول اوستاکارها کار را زخمی می‌کنم؛ ولی تمام نمی‌کنم.
چند روز پیش، تلفن زنگ زد و یک نفر گفت: «من گزارشگر فلان مجله هستم، شنیده‌ام شما در شهرک ساکی هستید». گفتم: «بله چندسالی هست». گفتم: «ما هر شماره را با مشاهیر شهرک گفت‌وگو می‌کنیم. اگر اجازه بدهید، با شما هم یک گفت‌وگوی خودمانی داشته باشیم». گفتم: «اشکالی ندارد؛ ولی من جزء مشاهیر نیستم. هیچ‌کس اینجا من را نمی‌شناسد». گفتم: «شکسته‌نفسی نفرمایید استاد». خلاصه یک روز



محمود برآبادی

امروز، روز تمیزکردن خانه است. نمی‌دانم از کجا شروع کنم. انگار منتظرم اتفاقی بیفتد؛ مثلا کسی زنگ بزند یا کار ضروری‌تری پیش بیاید و تمیزکردن را به روز دیگری موکول کنم.
چقدر زود آخر ماه شد؛ ولی بالاخره ناچارم کارم را از جایی شروع کنم. اگر بخواهم درست و حسابی تمیز کنم، حالا حالاها کار دارد. تمیزکاری واقعی آن است که جایی را که دیده نمی‌شود، تمیز کنی، نه آن جاهایی که کاملا جلوی چشم است.
وقت تمیزکردن خانه تازه آدم متوجه می‌شود که جقدر با چیزهای بیخود خانه را پر کرده است؛ قاب عکس، مجسمه، تندیس‌های یادبود، گل‌دان و جاشمعی و قس علیهذا... تازه این موقع است که متوجه می‌شوی چرا کارگرهای خانه این‌قدر چیزها را می‌شکنند. باید حواسم باشد جلو و عقب که می‌روم،

تصحیح و پوزش

● روز گذشته در توضیح خبر مربوط به بیابیه جمعی از اساتید دانشگاه با عنوان «نقد علمی جرم نیست، منتقدان را به دادگاه نکشانید!»، به‌اشتباه جمله‌ای مبنی بر محکومیت منتقد آمده است و به این وسیله ضمن پوزش از این خطا، تصحیح می‌شود که پرونده منتقدی که اخیرا با شکایت نویسنده‌ای به دادگاه فراخوانده شده در جریان رسیدگی است و متن بیابیه اساتید دانشگاه، هشداری است به این رویکرد که با نقد علمی به‌منابیه جرم برخورد شود.

تجربه دیگران

پوزه‌بندت را بزین لطفا!

روز گذشته در برلین راهپیمایی بزرگی علیه محدودیت‌های کروناپی صورت گرفت. معترضان پلاکاردهای در دست داشتند که روی آن نوشته بود «ما را مجبور می‌کنند که پوزه‌بند بزنیم». اعتراض آنها به اجباری‌شدن استفاده از ماسک در آلمان و همچنین وضع قوانین سختگیرانه در ایجاد محدودیت و فاصله‌گذاری اجتماعی بود. ازجمله محدودیت‌هایی که دولت آلمان برای مقابله با شیوع ویروس کرونا در این کشور اعمال کرده، زدن ماسک در فروشگاه‌ها و سرویس حمل‌ونقل عمومی و رعایت فاصله اجتماعی و اصول بهداشتی در سراسر کشور است. تست کرونا برای کسانی که از مناطق پرخطر وارد آلمان می‌شوند، هم اجباری است. در ۲۴ ساعت گذشته در آلمان ۹۰۰ نفر به کرونا مبتلا شدند و هفت نفر هم جان باختند.
باین‌حال مردم برای اعتراض به خیابان‌ها آمده‌اند. مقامات برآورد کرده‌اند که دست‌کم ۱۵ هزار نفر در اعتراضات روز شنبه که آن را «روز رهایی» خوانده بودند، شرکت داشتند. «روز رهایی» عنوان فیلمی است که فیلم‌ساز طرفدار هیتلر، لنی ریفاشتال، درباره کنگره حزب ناسیونال‌سوسیالیسم آلمان در سال ۱۳۳۵ ساخته است.

چند روز پیش یک کاربر افغانستانی مقیم ایران در حساب فیس‌بوک خود تصاویری از تجمع طرفداران طالبان در پارک ملت تهران منتشر کرد. در تصاویر چند مرد افغانستانی با لباس‌های محلی خودشان، پرچمی سفیدرنگ را که روی آن عبارت «امارات اسلامی افغانستان» ذیل عبارت «لا اله الا الله محمد رسول‌الله» نوشته شده بود، در دست داشتند. آقای عارف احمدی که این تصاویر را منتشر کرده بود، در توضیحش نوشته بود: «آتنی‌بس سه‌روزه عید بر طالبان مقیم تهران هم تأثیر مثبت گذاشته، آزادانه و با پرچم بی‌رنگ‌شان کشت‌وگذار می‌کنند و از صلح و آرامش لذت می‌برند». تصاویر قبل از عید قربان و در کشاکش مجادلات دولت مرکزی افغانستان و گروه طالبان منتشر شده بود. یک روز بعد از انتشار این خبر رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ از دستگیری «عاملان تولید و انتشار تصاویری که در آن پرچم یکی از گروه‌های تروریستی» به نمایش گذاشته شده بود، خبر داد. در خبری که خبرگزاری ایسا از این ماجرا منتشر کرده بود، آمده بود: «روز گذشته در پی انتشار تصاویری در فضای مجازی

که در آن چند نفر اقدام به استفاده از پرچم یک گروهک تروریستی کرده بودند، رسیدگی به موضوع در دستور کار ویژهٔ مأموران پلیس امنیت قرار گرفت و در پی آن، عوامل این اقدام شناسایی شدند. این اقدام موجب سوءاستفاده رسانه‌های معاند شده بود. با سرعت عمل پلیس، عاملان اصلی تولید و بازنشر این تصاویر با هماهنگی مقام قضائی شناسایی و دستگیر شدند. به گفته رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ، این افراد برای سیر مراحل قانونی و تحقیقات تکمیلی تحویل مرجع قضائی شدند. او افزود: این افراد هیچ ارتباطی با گروهک تروریستی مذکور نداشتند». سردار علی ذوالقدری البته نامی از گروه طالبان و تجمع طرفدارانش

یکی از مسئولان دولتی در ارتباط با برگزاری کنکور می‌گفت: «گروهی که درس خوانده‌اند می‌خواهند امتحان بدهند و گروهی به دلایل دیگر می‌خواهند امتحان عقب بیفتند». وزیر بهداشت با گروهی از مداحان ملاقات و احتمالا تلاش کرد نظر ایشان را درباره تعطیلی مراسم محرم جلب کند (ان‌شاءالله خواهان نظر ایشان درباره اقدامات لازم برای کرونا نبوده است). در اواخر سال گذشته که بحران کرونا داشت گسترش می‌یافت، بسیار گفته شد: «این هیولای طبیعت را تنها و تنها عقل، انضباط و انسجام حریف است؛ یعنی آنچه در دولت به‌عنوان شکفت‌انگیزترین مخلوق بشر متبلور است. ماشینیی با ساختاری پیچیده، هوشمند، مقتدر، پیشگو و برنامه‌ریز...». گفته شد: «دولت باید با هیتی مقتدر و هدایتگر در انتظار عمومی ظاهر شود و نشان دهد که تفوق بحران موجود بر چالش دائمی قدرت را درک می‌کند و تنها راه‌حل‌های عقل‌گرایانه را برمی‌گزیند...».

حتی اهمیت این ساختار متمرکز و تا حدودی هراسناک که مایه امیدواری مردم می‌شود به کالبد بی‌جان «ال سید» سردار اسپانیایی تشبیه شد که کالبد بی‌جانش نشسته بر اسب، سپاه اسپانیا را به پیروزی رساند. راستی سرگردانی دولت برای راضی‌کردن موافقان و مخالفان کنکور در کجای این تصویر قرار می‌گیرد؟ آیا دولت مسئول راضی‌کردن مردم است یا برنامه‌ریزی در جهتی عقل‌گرایانه که دانش و مصلحت اقتضا می‌کند؟ از سوی دیگر ملاقات وزیر بهداشت با مداحان در مورد بحران کرونا چه تأثیری بر این تصویری که از دولت ایدئال پرداخته شد، می‌گذارد؟ آیا هوشش

و تلاش در اقامه ایشان برای تعطیل‌کردن مراسم و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی با امکان پذیرفته‌نشدن درخواست و ناکام‌ماندن اقطاع همراه نیست؟ تصور چنین احتمالی در کسانی که شاهد اوج‌گیری روزافزون بحران و مرگ عزیزان و نزدیکان‌شان هستند، هولناک نیست؟ آیا صدای ناله‌ها و ضجه‌های کادر درمان و بستگان

خبر خوشی در «شرق» (۱۳۹۹/۰۴/۳۰) خواندم که پیرو درخواست عمومی مبنی‌بر اعاده دادرسی سه نفر جوان متهم در اغتشاشات آبان ۹۸ – که حکم اعدام برای آنها صادر شده بود– دیوان عالی کشور

به آن در خواست پاسخ مثبت داده و رسیدگی مجدد به پرونده را در شعبه ویژه‌ای پذیرفته است؛ بنابراین امید به نقض رأی صادره و نجات محکومان از اعدام می‌رود.
دراین‌میان عکس‌العمل خانم بهنوش بختیاری (یکی از هنرپیشه‌های تلویزیون و سینما) غریب می‌نمود که گویی از اعدام‌شدن سه جوان –با این تصور که متجاوز به نوامیس مردم و عامل سرقت مسلحانه و آتش‌زدن پمپ بنزین و امثال آن بوده‌اند، درحالی‌که به اذعان وکلای متهمان هیچ‌یک از این اتهامات حسی در پرونده‌ها وجود نداشت– بختیاری است و می‌گوید همان‌طور که اعدام را برای فلان و بهمان واجب می‌دانستید، اینجا هم کمی فکر کنید (یعنی چپ‌سا آنها مستحق اعدام، چرا اعدام‌شان نمی‌کنید؟) بگذریم از اینکه ایشان متعاقبا تغییر موضع داده و ظاهرا سخن خود را پس گرفته است؛ ولی اصولا این روحیه «اعدام‌خواهی» در ما که به‌سادگی متوقع اعدام خاطیان می‌شویم شایان تأمل است؛ چرا ما این‌چنین هستیم و برای علاج کژی‌ها بلافاصله سراغ اعدام می‌رویم و تصور و مهربان است. باید از آیات فوق سلیقه‌ شاعر را شناخت که تا سرحد مقدر نمی‌خواهد افراد کثیر ببینند؛ بلکه رو به اصلاح روند و اصالت ذاتی برای مجازات قائل نیست. سوم، گذشت و رحمت قرآنی در سیره نبوی نیز تجلی دارد، چنان‌که گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد:

۱) پیامبر (ص) کسانی را که قصد جانش را کرده بودند، با گشاده‌رویی بخشید. زینب یهودی که بی‌ایهٔ = برای شما در قصاص زندگانی است، (بقره، ۱۷۹). قرآن چنین فرموده و درست است، ولی نفرموده «قصاص برای شما مایه عبرت می‌شود اِتا دیگر افراد سراغ جرائم نروند!». بنابراین در اینجا –در حفاظت حق فرد و جامعه– مجازات اعدام پیش‌بینی شده که حق است، ولی از سوی دیگر قرآن تشویق به گذشت می‌کند و می‌فرماید «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ

آکادمی

دولت واضطراب ملی کرونا

درگذشتگان مردم و پزشکان را باید خود وزیر به این گروه بسیار عزیز برساند؟ که آیا بپذیرند، آیا نپذیرند؟ آقای وزیر تابه‌حال چند بار میزبان نمایندگان انجمن‌هایی بودند که از آغاز بحران تاکنون هرکدام ده‌ها کشته در این نبرد داده‌اند؟ آیا تابه‌حال برای تساهل و تسامحی که دولت در برابر زیرپا گذاشتن مقررات سلامتی با خاطیان انجام می‌دهد، از این نمایندگان (می‌خواستم بگویم اولیای دم) اجازه گرفته‌اند؟ آیا تصویر دولت در ذهن خود مداحانی که به مشورت خوانده شده‌اند، خدشه‌دار نمی‌شود؟ و آیا خود ایشان هم در اهمیت موضوع دچار تردید نمی‌شوند؟ و مگر نپرسیدند که آیا آمارها راست است؟ با همه این موارد و همه این مشکلات نماینده دولت در وزارت بهداشت (وزیر بهداشت) قبل از برگزاری مراسم وعده برگزاری مراسمی تاریخی و به‌یادماندنی را می‌دهد! آیا اساسا پرز عالی واقعه رخ داده، باعث بی‌اعتمادی نیست؟

آن هم به دنبال وعده‌های عملی‌نشده؛ اما پرسروصدای کنترل خانه به خانه کرونا، ارائه الگوی منحصربه‌فرد درمان کرونا، ویروس‌یاب قابل‌بم‌های تاریخی و... در نظرگاه مردمی که با هزاران رسانه مجازی هر روز وقایع را دنبال می‌کنند و میلیون‌ها افراد تحصیل‌کرده‌ای که به‌خوبی درک می‌کنند و به‌عنوان گروه مرجع افکار عمومی را شکل می‌دهند. آیا دولتی که مشکلات را می‌شناسد، به‌درستی آنها را تشخیص می‌دهد، به مردم معرفی می‌کند، آنچه در توان دارد آشکارا به میدان می‌آورد، بر اجرای آن در تمام امکان نظارت می‌کند، امکان دربرسته شلوع را تعطیل می‌کند، خاطیان را امریه‌معروف می‌کند، حتی به مجازات می‌رساند، مقتدر و استوانه‌تر است یا دولتی که تنها نگران نظرات گروه‌های منفذ است؟ کدام‌یک از این دولت‌ها اضطراب ملی ما را در آستانه این بحران که گویا تازه در آغاز آن هستیم، بیشتر فرو می‌نشاند؟



یادداشت

باید ببخشیم

فرهاد بهیمنانی

گذاشتند. پیامبر (ص) آنها را تعقیب و دستگیر نکرد و با وجودی که شناخته‌شده بودند، همگی را بخشید (تاریخ یهودی، ج ۲، ص ۶۸).

۲) پیامبر بزرگ اسلام پس از فتح مکه به کسانی که منتهای ظلم و بیداد را در حق او و خانواده و پیروانش روا داشته بودند، فرمود: «ای مردم! تمام خون‌خواهی‌های شما زیر پای من است و باطل شد، هیچ‌کس حق ندارد کسی را به خاطر حوادث گذشته بکشد» و خطاب به مردمی که انگشت به دهان بودند با آنها چه خواهد کرد، فرمود: «امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، بروید، همگی آزادید.» (سیره ابن‌هشام، ج ۴، ص ۳۴) با درنظرگرفتن همه مواردی که سیره‌نویسان آورده‌اند، کل معدوم‌شدگان بعد از فتح مکه بیش از سه مرد و یک زن نبوده‌اند که قابل مقایسه با هیچ انقلابی در تاریخ بشریت نیست. به‌علاوه رفتار پیامبر (ص) نسبت به کسانی که قصد جاننش را کرده بودند –در شرایطی‌که از قدرت همه‌جانبه در عربستان برخوردار بود– در بین خُکام و قدرتمندان زمان بی‌بدیل است. ۴) عفو و گذشت نبوی در سیره علی (ع) نیز تجلی داشته تا جایی که آخرین وصایای او را در نهج البلاغه چنین می‌خوانیم: «وصیت و سفارش من به شما آن است که چیزی را با خدا انباز و همتا قرار ندهید و سنت محمد (ص) را ضایع و تباه نکنید... من دیروز بار و همنشین شما بودم و امروز (مایه) عبرت و پند شما هستم و فردا از شما دور می‌شوم (می‌میرم). هر کس مانند صاحب اختیار خون خود مستقیم و اگر مُردم مرد و عده‌کاه من است و اگر شما خواستید او (قاتل) را ببخشید، بخشش برایتان نیکوکاری است، پس (او را) ببخشید که خدا در قرآن فرموده «لَا تُجَسِّوْنَ أَنْ یَغْفِرَ اللهُ لَکُمْ» = آیا دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد؟» (نهج‌البلاغه، ترجمه فیض‌الاسلام، قسمت رسائل امیرالمؤمنین(ع)، شماره ۲۲). به‌این‌ترتیب روشن است‌که اعدام در اسلام حداقل باید گفت «آخرین چاره» بوده است. امید که دستگاه قضا با توجه به رویکرد رئیس جدید، توجه بیشتری به سمت سیره نبوی و عملکرد علی (ع) داشته باشد و روحیه «اعدام، چاره اول» تعقیب نشود.

هشدار

فاجعه پاییز وزمستان



سیدحسین مهرپوران
متخصص داخلی و فوق‌تخصص ریه

● با افزایش تدریجی شمار مبتلایان و موارد مرگ‌ومیر کووید۱۹ در استان‌های حاشیه‌ای کشور، افزایش شیب موارد بستری با تشخیص کووید۱۹ و سپس اعلان وضعیت قرمز در سایر استان‌ها، یک دوم کرونا همان‌گونه که انتظار می‌رفت، آغاز شد و اکنون در میانه آن به سر می‌بریم. برای این‌جانب سخن‌گفتن از محدودیت‌ها و کاستی‌های منجر به وقوع یک اخیر دشوار است؛ درهم‌تندگی سیاست با اقتصاد، فرهنگ و معیشت در ایران عزیز، امکان بررسی جامع کوتاهی‌های تصمیم‌گیری در مدیریت بحران کرونا را بدون پرداختن به شرایط ناسامان اقتصادی و معیشت هم‌میهنان و سهم بزرگ آن در خاتمه‌بخشیدن به محدودیت‌ها برای حضور در اجتماعات و بازگشایی مشاغل، دشوار می‌کند. اتمام پیش از موعد سیاست‌های بهداشتی نیم‌بند و تا حدودی موفق قبلی متهم اصلی پیک اخیر است؛ پیش از تغییر سبک زندگی اجتماعی، پذیرفتن کرونا به‌عنوان یک بحران جدی جهانی از جانب هم‌میهنان و بازگشت به سطوح متفاوت زندگی اجتماعی با عادات بهداشتی پیش از بحران. اذعان معاون کل وزیر بهداشت به اختصاص یک‌پنجم از موارد فوتی روزانه در کشور بر اثر ابتلا به کرونا تصویری از شرایط تاسف‌آور کنونی است؛ آن‌هم در میانه تابستان. نگرانی و دغدغه جدی این‌جانب تداوم بحران و اوج و فرودهای پیش‌رو در شمار موارد ابتلا به کرونا به شکل منحنی سینوسی در کشور دست‌کم تا سال ۱۴۰۰ است. با درنظرگرفتن برخی یافته‌های علمی اخیر درخصوص کاهش سطوح آنتی‌بادی‌ها در مبتلایان بعد از دو تا سه ماه و بعضی گزارش‌ها از امکان ابتلای مجدد حقیقتا چاره‌ای جز فاصله‌گذاری هوشمند در سطوح متفاوت زندگی جمعی و انتظار و امید به نتایج مطالعات علمی پیش‌رو نمی‌ماند. فاجعه پاییز و زمستان با ابعادی بسیار بزرگ‌تر در پیش است؛ پیش از آنکه سیستم بهداشت و درمان به دلیل خستگی ناشی از مزمن‌شدن روند بحران دچار ناکارآمدی شود، بیایید هم‌مژه و هم‌غمه شویم و با رعایت نکات بهداشت فردی، محدودیت‌های خودخواسته جهت حضور در اجتماعات و مکان‌های شلوع و استفاده از ماسک به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از انتشار عفونت به سایرین به‌عنوان یک استراتژی جمعی بهداشتی، ابعاد بحران را تا امکان‌های درمانی و پیشگیری از ابتلای تأثیرگذار پیش‌رو، کوچک و کوچک‌کنیم.